

تحلیل پدیدارشناسانه خشونت شهری در شهر اردبیل

سیدجواد سیدنواز^۱، اقباله عزیزخانی^۲، صمد عابدینی^۳

چکیده

خشونت شهری، پدیده‌ای اجتماعی است که در ساحت شهر اتفاق می‌افتد و امنیت آسایش شهروندان، کارکرد نهادها و سازمانها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این پژوهش با هدف مطالعه پدیده خشونت شهری در شهر اردبیل با روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است. ۱۱ نفر از شهروندانی که خشونت شهری را تجربه کرده بودند با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق تا رسیدن داده‌ها به اشباع ادامه یافت. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA انجام شد. یافته‌ها نشان داد که پدیده خشونت شهری با چهار مقوله اصلی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان تعریف می‌شود که عبارتند از: ۱- خشونت فیزیکی ۲- خشونت کلامی ۳- خشونت مالی ۴- خشونت روانی. عوامل، شرایط و علل سوق‌دهنده به پدیده خشونت شهری بر اساس تجربه مشارکت‌کنندگان عبارتند از: ۱- عوامل مداخله‌ای (فردگرایی خودخواهانه- عامل روانی)، ۲- شرایط زمینه‌ای (شرایط فضای شهری- شرایط خانوادگی)، ۳- علل پیدایش (کنترل اجتماعی، علل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی).

واژه‌های کلیدی:

- ۱- دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران
javad_seyednavaz@yahoo.com
 - ۲- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران (نویسنده مسئول)
azizkhani_aukh@yahoo.com
 - ۳- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران
abedinisamad@gmail.com
- تاریخ و وصول: ۱۴۰۰/۵/۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۲

«خشونت شهری»، «پدیدارشناسی»، «شهر اردبیل»، «شهرنشینی».

مقدمه

پدیده‌ی خشونت از جمله مسائلی است که جوامع از دیرباز با آن روبه‌رو بوده‌اند؛ این موضوع به دلیل پیامدهایی که برای جوامع و افراد داشته همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. خشونت گاه سبب می‌شود فرد زندگی خود را از دست دهد، گاهی نیز مانع رسیدن گروهها و سازمانها به اهدافشان می‌شود. خشونت پدیده‌ای است که در بسترهای مختلفی نمود می‌یابد از جمله؛ خشونت خانگی که در خانواده بین اعضای خانواده اتفاق می‌افتد؛ خشونت تماشاگران مسابقه ورزشی که در سالن‌ها و استادیوم‌ها مشاهده می‌شود؛ خشونت در بین روستاییان که به دلیل مسائل روستا در روستا دیده می‌شود و خشونت شهری که در سطح شهر و در بین شهروندان اتفاق می‌افتد. **خشونت شهری** به هرگونه تهاجم و اعمال اراده و تهدید که می‌تواند آزادی و امنیت فرد را در شهر سلب نماید گفته می‌شود (هافمن، ۱۹۹۸: ۲۸۹). خشونت شهری عبارت است از هرگونه رفتار عمدی، که منجر به آسیب رساندن به شخصی یا تخریب مالی یا تحمیل شرایط ویژه‌ای، به خود، فرد یا گروهی، که ذاتاً یا به علت شرایط بیرونی، نه سزاوار آن شرایط باشند و نه پذیرای آن؛ چه این رفتار برای رسیدن به هدفی باشد و چه برای تخلیه هیجانی صورت گرفته باشد (نیک بخت، ۱۳۹۳: ۲۲).

مارشال برمن (۱۹۸۴)، خیابان و تظاهرات خیابانی را اولین نشانه‌های زندگی نو می‌داند؛ و با این فرض که برخوردهای خیابانی پیش‌بینی نشدنی و ناشناخته است و برای شهروندان بسیار نگران کننده است، زیرا ممکن است مورد دستبرد، حمله یا تحقیر قرار گیرند (برمن، ۱۹۸۴: ۱۲۴). خشونت، نه تنها مانع سرمایه‌گذاری و باعث بدنام کردن محله می‌شود انسجام اجتماعی را نیز نابود و دسترسی به اشتغال و فرصت‌های آموزشی را محدود می‌کند و در سطح فردی، ساکنان شهری در نقاط داغ جرم، جنایت و خشونت ممکن است کاهش یابند (محمدی و باقری کشکولی، ۱۳۹۳: ۱۴۵).

شهر به دلیل استقرار نهادها و سازمانهای امنیتی و انتظامی اساساً نباید بستری برای

پیدایش خشونت باشد، اما گسترش بی‌رویه شهرنشینی به ویژه حاشیه‌نشینی و مسائل مرتبط با آن، سبب شده آسیب‌های اجتماعی از جمله خشونت شهری تشدید یابد. مراکز تفریحی مثل پارک‌ها، استادیوم‌های ورزشی، سینماها حتی پیاده‌روها عرصه‌هایی‌اند هستند که با بروز اعمال خشونت‌آمیز کارکرد خود را از دست می‌دهند و به جای اینکه مأمنی برای نشاط و شادابی افراد باشد، مکانی برای ترس، دلهره و تهدید برای شهروندان می‌شوند. شهر اردبیل از جمله شهرهایی است که به دلیل افزایش مهاجرت از شهرستان‌های استان و گسترش حاشیه‌نشینی، مشکلات اقتصادی، تاب‌آوری پایین اجتماعی، تغییر سبک زندگی، گذر زندگی سنتی به زندگی نوین، همواره از خشونت شهری رنج برده است یک بوق نابجا در خیابان، به‌موقع حرکت نکردن در پشت چراغ قرمز، همسایه‌ای که پله‌های آپارتمان را با ته کفش خود گلی کرده، مسافری که بدون رعایت نوبت سوار اتوبوس شده است؛ همه در ظاهر اتفاق‌هایی پیش‌پا افتاده‌اند ولی در بسیاری از مواقع به نزاعی شدید و حتی خونین تبدیل می‌شوند. بر اساس بررسی‌های سازمان پزشکی قانونی، به ازاء هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت کشور، ۶۹۲ نفر برای معاینه نزع به مراکز پزشکی قانونی مراجعه می‌کنند. محاسبات آماری سازمان پزشکی قانونی کشور نشان می‌دهد استان‌های اردبیل با ۹۶۹، آذربایجان شرقی با ۹۰۶، البرز با ۸۸۲ و زنجان با ۸۷۹ مراجعه، بیشترین آمار مصدومان نزع را بر حسب جمعیت (هر ۱۰۰ هزار نفر) در کشور داشته‌اند (ایرنا، ۱۷ دی ۱۳۹۹).

بررسی خشونت شهری به عنوان یک مسأله اجتماعی به این دلیل اهمیت دارد که بخش زیادی از کنشگران جامعه با مشاهده و درک آن، احساس ناامنی و ترس کرده و دیگر در عرصه‌های عمومی ظاهر نمی‌شوند. احساس اعتماد به اماکن عمومی، سبب می‌شود فرد با دوستان و خانواده خود برای تفریح و گذران اوقات فراغت در محل‌های عمومی حضور یافته و ضریب نشاط اجتماعی ارتقا پیدا کند؛ اما برخورد با یک صحنه خشونت‌آمیز، افکار عمومی را نسبت به تعاملات فضای عمومی شهر و نهادهای امنیتی بدبین کرده، «اعتماد» به عنوان مؤلفه مهم سرمایه اجتماعی خدشه‌دار می‌شود. وقتی

خشونت در شهر اتفاق می‌افتد، تحرک فیزیکی در محل محدود می‌شود؛ فرصت‌های اشتغال آموزشی کاهش می‌یابد و افراد محل، کمتر احتمال دارد که خانه‌های جدیدی بسازند یا املاک موجود را تغییر دهند یا بهبود بخشند. این کاهش در سرمایه اجتماعی، بی‌اعتمادی ناشی از تخریب فراساختاری‌ها، تسهیلات و فرصت‌ها را افزایش داده و احتمال رفتار خشونت‌آمیز به ویژه در میان افراد جوان را در خیابان و محلات زیاد می‌کند (چلبی و مبارکی ۱۳۸۴: ۳۶)؛ بنابراین بروز و ظهور پدیده خشونت شهری، علاوه بر سلب آسایش شهروندان و سلامت روانی و اجتماعی‌شان، موجب کاهش سرمایه اجتماعی و دوام و بقا جامعه می‌شود.

اهمیت دیگر انجام این پژوهش استفاده از روش پدیدارشناسی برای مطالعه «خشونت شهری» است؛ پیشینه پژوهش نشان می‌دهد خشونت شهری به عنوان پدیده‌ای اجتماعی تا کنون با روش پدیدارشناسی در شهر اردبیل مورد مطالعه قرار نگرفته است. علاوه بر ضرورت نظری انجام این پژوهش، ضرورت عملی مطالعه خشونت شهری این است که یافته‌های این پژوهش می‌تواند اطلاعات و دانش جدیدی را در اختیار برنامه‌ریزان و سیاستگذاران شهر اردبیل قرار دهد تا آنها بتوانند برای مقابله و کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز و گسترش امنیت اجتماعی در سطح شهر، برنامه‌ریزی مطلوبی را انجام دهند. با توجه به مطالب بیان شده، نخستین مسأله اساسی این است که مشارکت‌کنندگان (افرادی که تجربه خشونت شهری دارند) چه فهمی از پدیده خشونت شهری دارند و چه شرایط و زمینه‌هایی را در پیدایش خشونت شهری مؤثر می‌دانند.

مروری بر ادبیات پژوهش

یکی از ریشه‌های لاتین خشونت (Violence)، واژه وایولر (Violare) به معنای تجاوز کردن است؛ یعنی هرآنچه که به چیز یا شخص دیگری تجاوز نماید، به مفهوم لگدمال کردن، رعایت نکردن یا سوء استفاده کردن یا انکار شخصیت فرد دیگر، خواه آسیب جسمی در میان باشد یا آسیب دیگری، همگی به عنوان اقدام خشونت‌آمیز

تلقی شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). خشونت با مفاهیم دیگری مضاف قرار می‌گیرد؛ خشونت اقتصادی، خشونت اجتماعی، خشونت خانگی، خشونت سیاسی، خشونت شهری و ؟

خشونت شهری را می‌توان پیامد احساس ناامنی دانست. زیرا خشونت یکی از اشکال واکنش به احساس ناامنی است؛ اما این رابطه یک‌طرفه نیست و خشونت شهری خود در برگشت، موجب گسترش احساس ناامنی و جرائم بیشتر در جامعه می‌شود؛ به عبارت دیگر نوعی چرخه باطل میان احساس ناامنی؛ و خشونت برقرار می‌شود که یکدیگر را تقویت می‌کنند (جاجرمی، ۱۳۸۷: ۲۳).

خشونت به عنوان یکی از مسائل فردی و اجتماعی بشر در طول تاریخ، ذهن نظریه پردازان در رشته‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی، بوم‌شناسی و جرم‌شناسی را به خود مشغول کرده است. پیچیدگی‌های پدیده خشونت شهری و چندسببی بودن پیدایش آن، موجب شده هریک از صاحب‌نظران مکاتب فکری، بر اساس آبخور فکری خود به آن پردازند.

یکی از مکاتب فکری که کج‌روی‌های اجتماعی را در ارتباط با فضای شهر و ویژگی‌های شهرنشینی تبیین می‌کند، مکتب شیکاگوست. جامعه‌شناسان بر این باورند که شهر به دلیل برخورداری از تحرک بسیار جمعیت، تراکم جمعیت، گمنامی افراد، پایین بودن کنترل اجتماعی غیر رسمی، مستعد انحرافات اجتماعی است. هنری مک کی و شاول (۱۹۶۹) معتقدند دلیل تمرکز جنایت و بزهکاری در منطقه مرکزی شهر، جابجایی زیاد جمعیت به خصوص در طول روز است. این منطقه از جمعیت با ثباتی برخوردار نیست و «بی‌سازمانی اجتماعی» در آن دیده می‌شود. (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۸۳). نیومن و کولمن نیز با پرداختن به مفهوم «فضای اجتماعی و جرم» بر این باورند که بلوک‌های آپارتمان‌های مسکونی و مرتفع، مکان‌های نامناسبی برای زندگی‌اند. این ساختمانها نه فقط عموماً همراه با جرم و بزهکاری، فقر و شرایط مسکونی نامطلوبند که دیده شده است که آنها مناطق پشت صحنه خوبی، برای روی آوردن به خلاف‌کاری و سایر خشونت‌ها

یند. (دیکنز، ۱۳۷۷: ۲۲۱-۲۱۹).

والتر رکلس^۱ (۱۹۶۱) و تراویس هرشی^۲ (۱۹۶۹)، از تئوری‌پردازان کنترل اجتماعی معتقدند «دلبستگی» و «تعهد» پایین و ضعف قیود فرد به ارزشها و هنجارهای اجتماعی، موجب تمایل فرد به کجروی می‌شود. از نظر رکلس، عضو بودن در گروه و روابط متقابل اجتماعی، نوع رفتار را در موقعیت‌های خاص زندگی تعیین می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۹۲). رکلس کنترل اجتماعی را خط دفاعی دوگانه‌ای می‌داند که جامعه را در مقابل کج‌رفتاری حاد محافظت می‌کند. مانع حفاظتی اول، جامعه‌پذیر شدن هریک از اعضای جامعه است که شامل سه ویژگی «خودکنترلی یا خویش‌داری»^۳، خودپنداره^۴ یا تصویری که هر فرد از خود در ذهن دارد و درونی کردن هنجارهای اجتماعی است. او این مانع دفاعی را «عامل بازدارندگی درونی»^۵ نامیده است که به شخص در برابر وسوسه‌های انحرافی توانایی می‌بخشد و موجب پیروی او از هنجارها می‌شود. مانع دفاعی دیگر که «بازدارندگی بیرونی»^۶ گفته می‌شود، گروه یا جامعه‌ای می‌داند که فرد به آن تعلق دارد و مانع کژرفتاری حاد، فرد و خارج از فرد قرار دارد (ستوده، ۱۳۹۳: ۱۴۰). دورکیم بنیانگذار جامعه‌شناسی (۱۸۹۳)، برای تبیین انحرافات اجتماعی از مفهوم «آنومی» استفاده می‌کند. وی بر این باور بود که وقتی فقدان التزام اجتماعی به قوانین، هنجارها و قواعد آشکار گردد، افراد احساس می‌کنند هیچ‌گونه ملاکی در انتخاب‌های خود ندارند؛ در نتیجه، حالتی از گسستگی و بی‌سازمانی در نظام اجتماعی آشکار می‌شود (اسلامی بناب، ۱۳۸۸: ۴۶).

آنتونی گیدنز^۷، با پرداختن به لاینفک بودن کنش‌های اجتماعی از «زمان» و «مکان» معتقد است؛ در جوامع صنعتی، کردارها و عملکردهای اجتماعی تابع فضا و زمان است.

1. Walter Reckles
2. Travis Hirschi
3. self- control

۴. تصویری است که هرکس از خود دارد.

5. Inter Containment
6. Outer Cotainment
7. Anthony Giddens

از نظر او رشد حومه‌نشینی، احساس امنیت هستی‌شناسانه را کاهش داده و اعمال مجرمانه و کردارهای انحرافی در شهرک‌ها و محله‌های حاشیه شهر گسترش پیدا می‌کند. (دیکنز، ۱۳۷۷). زیمل^۱ در تبیین واقعیات اجتماعی با تئوری «هندسه زندگی اجتماعی» معتقد است شهر و خیابان‌های آن، عرصه رویارویی «غریبه‌ها» است و محیط شهر، محیطی ناامنی تلقی می‌شود که احتمال تحقیر و حمله در آن از سوی غریبه‌ها برای فرد متصور است. خودمحوری و تماس‌های غیر عاطفی، از مؤلفه‌های زندگی شهری در نظریه زیمل است (فیالکوف، ۱۳۸۸: ۲۰۴).

بنا بر آنچه در تئوری جامعه‌شناسان بیان شد، خشونت شهری مانند دیگر انحرافات اجتماعی، پدیده‌ای چندسببی است و شرایط و عوامل متعددی در پیدایش آن نقش دارند.

پیشینه تجربی

به دلیل اهمیت موضوع خشونت شهری در بین محققان و جامعه‌شناسان، تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است؛ به گونه‌ای که شیخ‌ویسی و همکاران (۱۳۹۸)، پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین فضاهای بی دفاع شهری و رفتارهای خشونت‌آمیز شهر تهران» با روش ترکیبی انجام دادند. طبق یافته‌های به دست آمده، هر دو بعد فیزیکی و اجتماعی فضاهای شهری در بی‌دفاع شدن فضاهای شهری مؤثرند و نظریاتی که تنها بر یک بعد از ویژگی‌های فضاهای بی‌دفاع، برای کنترل خشونت توجه کرده‌اند (چه فیزیکی، چه اجتماعی)، نمی‌توانند کلیت فضاهای بی‌دفاع را به طور متناسب نشان داده و سبب کاهش خشونت شوند. محسنی و معین‌فر (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت خیابانی در شهر ارومیه» که با روش پیمایش در بین ۴۶۸ شهروند ارومیه انجام شد دریافتند که بین گرایش شهروندان به خشونت خیابانی با متغیرهای کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی، افول اخلاق در فرهنگ عامه، عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان، عدم رعایت هنجارهای ترافیکی،

1. Georg Simmel

عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر، جلب کردن توجه دیگران، بزه‌دیده‌گی، افت سرمایه‌اجتماعی و قوم‌گرایی، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین محمدی و باقری کشکولی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل تطبیقی رابطه بین فقر و خشونت شهری، با استفاده از مدل ویکور (مطالعه موردی: محله‌های شهر یزد)» که با روش پیمایش در ۴۳ محله شهر یزد انجام دادند نتیجه گرفتند؛ اکثر محله‌هایی که دارای بیشترین میزان فقرند، نقاط داغ خشونتند. ویکفیلد و تیت^۱ (۲۰۱۵)، در تحقیقی با عنوان «جرم و خشونت در فضاهای شهری در بین شهروندان کیپ تاون و دوربان آفریقای جنوبی» دریافتند که نرخ خشونت (مشخصاً قتل) در آفریقای جنوبی پنج برابر متوسط جهانی است. این تحقیق نشان می‌دهد که هرچند تبعیض نژادی، فقر و محرومیت، عدم دسترسی به فرصتهای اقتصادی و اجتماعی که میراث گذشته جامعه آفریقای جنوبی است؛ اما مهاجرت و حاشیه‌نشینی نیز تشدیدکننده خشونت است. فاطمیا (۲۰۱۵)، در تحقیقی به خشونت شهری در نیجریه پرداخته و خشونت شهری را نتیجه حکمرانی بد و محصول عدم تثبیت دموکراسی در جامعه فرض می‌کند. وی در تشدید خشونت شهری در نیجریه به عواملی مانند فساد سیاسی، حکومت دیکتاتوری، افزایش فقر، محرومیت سیاسی و بی‌عدالتی اشاره می‌کند.

بررسی پژوهش‌های انجام یافته حاکی از آن است که در همه کشورهای جهان، پدیده خشونت شهری مسأله اجتماعی حادی است که پژوهشگران در چاره‌جویی برای آن پژوهش‌های مختلفی را با متغیرهای روانی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند. فقر، محرومیت، طراحی شهری، بی‌اعتمادی اجتماعی، تراکم جمعیت در برخی محله‌ها، تبعیض، حاشیه‌نشینی، فقر فرهنگی، قوم‌گرایی، بیکاری و جلب توجه دیگران، از جمله متغیرهایی است که در رابطه با خشونت شهری، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. در این مطالعات همواره از روش کمی (پیمایش) برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. بنابراین برای جبران روش‌های به‌کار گرفته شده در مطالعات پیشین، در این پژوهش خشونت شهری به عنوان موضوعی پدیدارشناختی مورد توجه قرار گرفته تا ضمن مطالعه

1. Wakefield, L & Tait, S.

عمیق آن، ابعاد و مقوله‌های آن از تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان استخراج شود.

روش پژوهش

روش پژوهش کیفی است و برای تبیین ساختار ذات تجربه زیسته از پدیده خشونت شهری و جستجوی وحدت معنایی و توصیف درست آن از روش پدیدارشناسی استفاده شده است. رویکردهای مختلفی از سوی پژوهشگران بنا به هدف و حوزه مطالعاتشان در انجام روش پدیدارشناسی وجود دارد؛ روش به‌کار گرفته در این پژوهش، پدیدارشناسی توصیفی (متعالی) است؛ زیرا این روش، زمینه‌ای پویا و زیسته را از مشارکت‌کنندگان در مورد خشونت شهری ارائه داده و بر دیدگاه آنها بدون استفاده از هرگونه تغییر متمرکز می‌شود؛ به‌علاوه این روش به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که دیدگاه مشارکت‌کنندگان را بی‌آنکه تفسیر یا شک در کیفیت تجارب آنها نماید، اظهارات آنان را توصیف و ثبت کند.

فرایند گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت یافته صورت گرفت. قبل از شروع مصاحبه، با در نظر گرفتن «مفاهیم حساس» به تعبیر هربرت بلومر (۱۹۵۴) همچون، تعریف خشونت شهری با بیان مصادیق مشاهده شده در تجربیات مشارکت‌کنندگان، شرایط و علل پیدایش خشونت تجربه‌شده و ویژگیهای ذات‌گرایانه هریک از انواع خشونت شهری در طراحی سؤال‌ها در جریان گردآوری داده‌ها استفاده شد.

در این پژوهش از تکنیک هفت مرحله‌ای کولایزی (۱۹۷۸) استفاده شده است. این مراحل شامل ۱- در پایان هر مصاحبه و ثبت یادداشت‌برداری‌های میدانی، بیانات ضبط شده گوش داده می‌شود و برای درک و فهم تجارب شرکت‌کنندگان چند بار مطالعه می‌شود. ۲- پس از خواندن چندباره، متن جملات و عبارات مهم مشخص می‌شود. ۳- در این مرحله که به فرمول‌بندی معروف است، بدون دخالت پیش‌فرض‌های محقق، مفاهیم استخراج شده که بیانگر معنا و قسمت اساسی تفکر فرد است توضیح داده می‌شود. ۴- در این مرحله با تخیل‌پردازی محقق، مفاهیم استخراج شده بر اساس تشابه و تمایز آنها در قالب خوشه‌هایی از تم‌ها سازمان می‌یابد. ۵- در این مرحله نتایج به

صورت کلی‌تر در مورد خشونت شهری با هم پیوند می‌یابند و در دسته‌های کلی‌تری ترکیب می‌شوند. ۶- توصیف جامعی از خشونت شهری با بیانی واضح و بدون ابهام و با استفاده از عبارات جامعه‌شناختی و در قالب ضمائر سوم شخص صورت بندی می‌شود. ۷- در آخرین مرحله از معیار اعتماد‌پذیری برای استحکام بیشتر داده‌ها استفاده می‌شود به گونه‌ای که نخست در طرح سؤالها سعی بر این بود که سؤالهای مطرح شده از گفته‌های مشارکت‌کنندگان طرح می‌شد. در گام دوم؛ مصاحبه‌های رونوشت شده به همراه کدگذاری آنها و مفاهیم استخراج شده با چهار نفر از مشارکت‌کنندگان در میان گذاشته شد و آنها فرایند تحلیل مصاحبه‌ها را تأیید کردند. در گام سوم؛ نحوه استخراج واحدهای معنایی، دسته‌بندی خوشه‌های موضوعی و تخصیص هر خوشه به هسته مرکزی توسط چهار نفر از دانشجویان دوره دکتری جامعه‌شناسی انجام شد که ضریب توافق آنها ۸۵ درصد به دست آمد که اطمینان‌پذیری داده‌ها را تأیید کرد.

روش نمونه‌گیری، هدفمند- نظری است. در روش نمونه‌گیری هدفمند، افرادی که در سال ۱۴۰۰ پرونده خشونت شهری در کلاتری‌های شهر اردبیل داشتند شناسایی و با هماهنگی تلفنی قرار مصاحبه با آنها تعیین شد. به دلیل اینکه حجم نمونه در تحقیقات کیفی، ارتباط تنگاتنگی با میزان اشباع‌پذیری دارد تا کامل شدن تمام سطوح مقوله‌های پارادایمی، مصاحبه با آنها ادامه یافت و در مجموع ۱۱ نفر در مصاحبه‌های این پژوهش مشارکت کردند. به عبارتی دیگر، نمونه‌گیری در دو مرحله انجام شد؛ ابتدا با روش هدفمند افرادی که تجربه خشونت شهری داشتند انتخاب شدند و سپس در نمونه‌گیری نظری، برای عمق بخشیدن به داده‌ها و گردآوری داده‌های بیشتر در مورد طبقه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری این فرایند ادامه یافت. مشخصات افرادی که با آنها مصاحبه انجام شد بدین شرح است:

جدول شماره (۱): مشخصات مشارکت کنندگان

ردیف	سن	تحصیلات	شغل	علت خشونت
۱	۳۹	دیپلم	مغازه دار	پارک ماشین جلو مغازه
۲	۳۲	زیردیپلم	کارگر	عدم پرداخت طلب
۳	۴۱	دیپلم	راننده	تصادف خودرو
۴	۲۸	زیردیپلم	مکانیک	خانوادگی
۵	۳۵	زیردیپلم	مغازه دار	مزاحمت ناموسی
۶	۳۸	زیردیپلم	بیکار	کیف قاپی
۷	۴۲	لیسانس	تعمیرکار	عدم پاس شدن چک مشتری
۸	۳۸	دیپلم	پیمانکار ساختمان	نزاع در آپارتمان
۹	۵۸	لیسانس	بازنشسته	اختلاف با همسایه
۱۰	۴۲	دیپلم	راننده	عدم رعایت نوبت خط
۱۱	۳۰	دیپلم	بیکار	هواخواهی از رفیق

یافته‌های پژوهش

همانگونه که در بخش روش پژوهش بیان شد، شیوه استخراج مفاهیم و دسته‌بندی تم‌ها، با تکنیک کولایزی است. داده‌های ضبط‌شده به وسیله پژوهشگر به قالب متن تبدیل شد و دوباره رونوشت داده‌ها با فایل ضبط‌شده مطابقت داده شد تا عبارتی از قلم نیفتاده باشد. سپس متن مصاحبه‌ها وارد نرم‌افزار مکس کیودا^۱ شد و تحلیل داده‌ها در هفت گام به روش کولایزی بدین نحو انجام شد:

۱- مطالعه چندباره متن مصاحبه‌ها

متن مصاحبه‌ها برای فهم کلیت مصاحبه‌ها چندین بار مطالعه شد. در طول این فرایند تلاش شد تصورات و پیش‌فهم‌های محقق در پراتنز قرار گرفته و از آنچه مشارکت کنندگان از تجربه خود بیان کردند فهم کلی صورت گیرد. در پراتنزگذاری^۲ واژه‌ای هوسرلی است (۱۹۱۳) که محقق پدیده را برای بازرسی محکم نگه می‌دارد

۱. گام هفتم؛ معتبرسازی در بخش روش پژوهش توضیح داده شده است.

(محمدپور، ۱۳۹۳: ۲۳۸). به عبارت دیگر در مرحله‌ی اول هر ۱۱ مصاحبه به صورت جداگانه مطالعه شد تا معنای فردی بدون مقایسه با دیگر مصاحبه‌ها دریافت شود. محقق در این مرحله با در نظر گرفتن تعلیق پیش‌فرض‌های خود، به فهم کلیت مصاحبه‌ها پرداخت.

۲- شناسایی عبارات مهم

بعد از به دست آمدن احساسی از کلیت مصاحبه‌ها در نتیجه‌ی خوانش آنها، در این مرحله عباراتی که حاوی اطلاعاتی در زمینه‌ی تجربه‌ی زیسته از مفهوم خشونت شهری است شناسایی شد. با حذف عناصر غیر ضروری و بی‌ربط با موضوع پژوهش، ۲۶۸ عبارت که دارای مفاهیم و مضامینی از پدیده‌ی خشونت شهری بودند شناسایی شد. در جدول زیر عبارات شناسایی شده از مصاحبه‌ی شماره‌ی سه و شش برای نمونه آمده است:

جدول شماره (۲): عبارات مهم اولیه‌ی استخراج شده

شماره مصاحبه	عبارات اولیه شناسایی شده
۳	<p>...الان وضعیت طوری شده که هر روز از تلویزیون خانه‌های لوکس، و ماشین‌های مدل بالا نمایش می‌دهند؛ جوون بیکار حرصش درمیاد وقتی می‌بینه عمراً بتونه به اینا برسه؛ بنابراین با یک ناراحتی کوچولو به هم میریزه و دعوا به پا می‌کنه...</p> <p>...شهر اردبیل مخصوصاً در شهرک‌ها و حاشیه‌ی شهر از افرادی که هرکدم از روستا یا شهرستانی اومده و همدیگرو نمی‌شناسند و فرهنگ متفاوتی دارن جمع شده. در آپارتمان ما روزی نیست که سر مسأله‌ی جزئی مثل جیغ بلند بچه‌ی همسایه، پارک ماشین در محل پارکینگ همسایه، ریختن زباله در راه پله‌ها، کوبیدن محکم در خونه، صدای بلند مهمونا و ... همسایه‌ها باهم دیگه دعوا و بگو مگو نداشته باشند...</p>
۶	<p>...این مدتی که در این محله‌ایم دائماً ماشین پلیس حضور داره، خانواده‌ها پرجمعیتند، همه اینها از روستاهای اطراف مهاجرت کرده‌اند. اغلب سرپرستان خانواده معتاد و شغل کاری، یا دستفروشی دارند... هرکسی به فکر اینه که سر دیگری کلاه بذاره، بعده غروب آفتاب، زنان و دختران از ترس‌شان کمتر می‌توانند در محل حضور داشته باشند. سر کوچی پاتوق بسیاری از جوانایی است که از بیکاری دور هم جمع شدن و مواد می‌زنند و خیلی اوقات هم کارشون به زد و خورد کشیده می‌شه...</p> <p>... محله‌ی ما همش پر شده از افراد بیکار، معتاد، خانواده‌های پرجمعیت با درآمد بخور نمیر. وقتی جوانی از این خانواده‌ها راهش می‌افته به شریعتی و می‌بینه پسره سوار ماشین بابا شده و ویراژ می‌ده، عصبی می‌شه و سعی می‌کنه با درگیری با اونا ابراز وجود کنه و عقده‌شو خالی کنه...</p>

۳- کشف مفاهیم (واحد‌های معنایی)

سومین گام در تکنیک کولایزی (۱۹۷۸)، فرمول‌بندی و کشف و استخراج مفاهیم از عبارات مهم است. بعد از مشخص شدن عبارات مرتبط با پدیده خشونت شهری، محقق با ذهنیت جامعه‌شناختی و استفاده از فرایند تغییر، مبتنی بر تخیل زبان طبیعی مشارکت‌کنندگان، تم‌ها و مفاهیم را استخراج نمود. مجموعه مفاهیمی که در این مرحله کشف شد، ۵۶ مفهوم بود که در جدول زیر آورده شده است:

جدول شماره (۳): استخراج مفاهیم از عبارات مهم اولیه

مفاهیم استخراج‌شده
احساس محرومیت- بیکاری- اعتماد اجتماعی- خرده‌فرهنگ جوانان- التزام به قواعد اجتماعی- زندگی آپارتمان‌نشینی - بافت محله- تعداد جمعیت خانوار-نوع تعاملات خانوادگی- حاشیه‌نشینی- مشاهده نزاع- کنک‌کاری- ضعف جامعه‌پذیری- بی تفاوتی اجتماعی- فقر فرهنگی- سرقت از مغازه- مهاجرت- چاقو‌کشی - شیوه‌تربیت خانواده- زیربا زور رفتن- گمنامی در شهر- تهدید و ارباب- ناکارآمدی نهادهای ذی‌ربط- تعصب- جیغ و فریاد- امر به معروف و نهی از منکر- کیف قاپی- کنترل خشم- بی حرمتی به ریش سفید- معماری ساختمان‌ها- چک بی‌محل- فردگرایی خودخواهانه- اعتماد به غریبه‌ها- شکاف طبقاتی - توهین و فحش- سرقت گوشی همراه- سطح سواد و تحصیلات- ابراز وجود- تاب‌آوری پایین- کوجه‌های تنگ و تاریک- هزینه دادرسی- وضعیت اخلاقی جامعه- ترس از غریبه- اسیدپاشی- ناپدیری- نامادری- توجه به وجدان- ترس از حضور شبانه در سطح شهر- فرهنگ قبیله‌ای- امکانات شهری- ریختن زباله در راه پله‌ها- پارک ماشین در محل پارکینگ همسایه- کوبیدن محکم در خانه همسایه - صدای بلند مهمانها در آپارتمان- بوق بی مورد- تعاملات اجتماعی

۴- سازماندهی مفاهیم بر اساس تشابه و تمایز

چهارمین گام در تکنیک کولایزی، فرمول‌بندی مفاهیم کشف شده در قالب خوشه‌هایی از تم‌هاست (محمدپور، ۱۳۹۳: ۲۴۴). در این مرحله پژوهشگر مفاهیم استخراج‌شده را بر اساس تشابه و تمایز آنها در دسته‌های موضوعی به شرح جدول زیر دسته‌بندی کرد:

جدول شماره (۴): استخراج خوشه‌های موضوعی با فرمول‌بندی مفاهیم کشف‌شده

خوشه‌های موضوعی	مفاهیم استخراج شده
خشونت فیزیکی	کتک‌کاری- ریختن زباله در راه پله‌های آپارتمان- کوبیدن محکم درخانه همسایه- اسیدپاشی- چاقوکشی
خشونت کلامی	تهدید و ارباب- توهین و فحش- بی حرمتی به ریش سفید- جیغ و فریاد
خشونت مالی	سرقت از مغازه- کیف‌قاپی- چک بی‌محل- سرقت گوشی همراه
خشونت روانی	صدای بلند مهمانها- بوق بی‌مورد- مشاهده نزاع- ترس از حضور شبانه در سطح شهر- پارک ماشین در پارکینگ همسایه- ترس از غریبه
عامل فردی	فردگرایی خودخواهانه- زیر بار زور نرفتن
عامل روانی	تاب‌آوری پایین- ابراز وجود- کنترل خشم
شرایط خانوادگی	تعداد جمعیت خانوار- نوع تعاملات خانوادگی- ناپداری، نامادری- شیوه تربیت خانواده
شرایط فضای شهری	نوع بافت محله- حاشیه‌نشینی- کوچه‌های تنگ و تاریک- گمنامی در شهر- معماری ساختمانها- زندگی آپارتمان‌نشینی- امکانات شهری
علت اجتماعی	مهاجرت- تعاملات اجتماعی- اعتماد به غریبه‌ها- بی تفاوتی اجتماعی- اعتیاد
علت اقتصادی	شکاف طبقاتی- بیکاری- احساس محرومیت
علت فرهنگی	فقر فرهنگی- تعصب- سطح سواد و تحصیلات- فرهنگ قبیله‌ای- خرده‌فرهنگ جوانان
علت کنترل اجتماعی	ضعف جامعه‌پذیری- امر به معروف و نهی از منکر- توجه به وجدان- ناکارآمدی نهادهای ذی‌ربط- هزینه‌دادرسی- التزام به قواعد اجتماعی- وضعیت اخلاقی جامعه

۵- ترکیب تم‌ها در دسته‌های کلی‌تر

گام پنجم که با ترکیب تم‌ها و مونتاژ خوشه‌های موضوعی برای نشان دادن الگو و روابط بین عناصر در کل تجربه ظهور می‌کند، با خلاقیت و تخیل محقق صورت می‌گیرد؛ بنابراین هدف محقق در این مرحله آشکار شدن دسته‌های کلی‌تر با بینش شهودی محقق از طریق متصل شدن مجموعه‌ای از خوشه‌های موضوعی است.

جدول شماره (۵): کشف دسته‌های کلی‌تر

دسته‌های کلی‌تر		خوشه‌های موضوعی
سنخ بندی خشونت شهری		خشونت فیزیکی - خشونت کلامی - خشونت مالی - خشونت روانی
شرایط نمود پدیده خشونت شهری	عوامل مداخله‌ای	عامل روانی - عامل فردی
	شرایط زمینه‌ای	شرایط فضای شهری - شرایط خانوادگی
	علل پیدایش	علت اجتماعی - علت اقتصادی - علت فرهنگی - علت کنترل اجتماعی

۶- تفسیر جامعه‌شناختی پدیده خشونت شهری

از نظر کراسول (۲۰۰۷) مرحله تفسیر روش تحلیل پدیدارشناسی به دو بخش توصیف محتوایی (چه چیزی رخ داده) و توسعه یک توصیف ساختاری (چگونگی تجربه کردن پدیده) یا به عبارتی توسعه ماهیت و جوهره تقسیم می‌شود (کراسول، ۲۰۰۷). توصیف ساختاری، نوعی تبیین در تحقیق پدیدارشناسی است که دارای اصول متفاوتی با روش کمی دارد. منطق تبیین در پدیدارشناسی، مبتنی بر ویژگی‌های ذاتی آن پدیده در تفهم ذات‌هاست نه با استفاده از نظریه، تبیین متغیرها یا رویکرد نظری پیشین. زبان تبیین در این نوع روش، مفاهیمی چون ذات، معنا و تجربه به جای اعداد و متغیرهاست (محمدپور، ۱۳۹۳: ۲۴۶).

بر اساس تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان، پدیده خشونت شهری دارای چهار عنصر تشکیل‌دهنده است که عبارتند از ۱- خشونت فیزیکی، ۲- خشونت کلامی، ۳- خشونت مالی، ۴- خشونت روانی.

با وجود اینکه دوره بربریت قرن‌هاست سپری شده و قوانین مدنی و مقررات شهروندی سالهاست برای زندگی آرامش‌بخش تدوین و به مرحله اجرا درآمده و از ضوابط اجرایی سختی نیز برخوردار است؛ اما همچنان شهروندان اردبیل به وجود پدیده خشونت فیزیکی که با کتک‌کاری، چاقوکشی، واسیدپاشی همراه است اذعان دارند.

م. ۴۲ ساله که راننده خط شهری است می‌گویند:

« من حدود ۳ سال است که در شهر اردبیل با تاکسی کار می‌کنم. اگر طرف دعوی من نوبت خودش را رعایت می‌کرد و به حق و حقوق خودش قانع می‌شد و می‌فهمید که همه ما دنبال یک لقمه حلال برای خانواده‌مان هستیم، من مجبور نبودم با ایشون درگیر بشم و بعد از کلی دوندگی و از کار موندن دیه هم بیردازم.»

در واقع در این نوع از خشونت، فرد برای کنترل و اعمال نفوذ بر دیگری، با توسل به زور به وی آسیب جسمی وارد می‌کند. خشونت فیزیکی ممکن است از انداختن زباله وسط خیابان که موجب تعفن در سطح شهر می‌شود تا آدم‌ربایی و چاقوکشی متغیر باشد. در صورت خشونت فیزیکی هم موجب آسیب فردی (تحت تأثیر قرارداد کیفیت زندگی افراد) و هم باعث از بین رفتن اموال عمومی (خرد شدن شیشه‌های اتوبوس داخل شهر، به آتش کشیدن ساختمانهای اداری و بانک‌ها و...) می‌گردد.

یکی دیگر از انواع خشونت که در مصاحبه‌ها بارها به آن اشاره شده، خشونت کلامی است. خشونت کلامی؛ خشونت آشکار و آگاهانه‌ای است که فرد با به کار بردن کلمات و جملات سعی در تحقیر، تحریک و تخریب دارد. این نوع خشونت ممکن است از کلام محترمانه (این کار از عهده شما خارج است) تا فحش و تهدید متغیر باشد. خشونت زبانی یا کلامی، آزاری است که می‌تواند مقدمه خشونت‌های دیگر باشد. خشونت کلامی به کار بردن واژه‌ها به مثابه «بی‌احترامی، جریحه‌دار کردن نگرش و احساسات طرف مقابل و تحقیر او» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

س. ع ۳۸ ساله که پیمانکار است از تجربه‌اش چنین می‌گوید:

« پدرخانم وقتی دید همسایمون نوه‌هایش را به خاطر داد و ببیدادشان در کوچه با کلمات زننده تهدید می‌کند، به کوچه رفت و با صدای بلند و فحش به همدیگر با همسایمون درگیر شد.»

دسته دیگر از خشونت میان فردی در شهر، خشونت مالی و اقتصادی است که در تجربه مشارکت‌کنندگان به آن پرداخته شد. خشونت مالی که با مفاهیمی چون سرقت،

باج خواهی، کشیدن چک بی محل و ... تعریف شد به صورت کاملاً آگاهانه و آشکار، موجب بروز ناامنی در سطح شهر و وارد آمدن خسارت مالی به افراد می شود.

ج.ش ۳۸ ساله که معمولاً بیکار است با اذعان به خشونت مالی با توسل به زور و تهدید (خشونت فیزیکی) و به صورت تیمی و گروهی از تجربه اش اینچنین می گوید:

«گوشی و لوزام همراه عابریں را در کوچه های خلوت شهر به ویژه در شب با زور و تهدید می گرفتیم و با ماسکی که می زدیم قابل شناسایی پلیس هم نبودیم و کسانی که مقاومت می کردند را با دوستانم مورد ضرب و شتم قرار می دادیم.»

احساس ناامنی، ترس از جرم و جنایت و احساس خطر در شهروندان، ویژگی شهرهایی است که با خشونت روانی و عاطفی شناخته شده اند. احساس ناامنی و ترس از مزاحمت غریبه ها - به ویژه در اماکن خلوت یا پارک ها و بوستان ها که محل تفریح و سرگرمی کودکان و خانواده است - موجب می شود سطح اعتماد شهروندان که عنصر اساسی در زندگی شهرنشینی است پایین آمده یا خشم از رفتارهای بی قاعده همسایه، شنیدن جیغ و فریاد شبانه، حتی بوق بی موقع در کوچه، سبب عصبانیت و اشیاع ظرفیت روحی و روانی افراد می شود.

ش.ک ۳۵ ساله که خشونت روانی را با خشونت فیزیکی تجربه کرده می گوید:

«...دیدم جلو مغازه ام پسر به دختره تنه زد و متلک پروند؛ یقشو گرفتم و درگیر شدیم. بالاخره اگه جلو اینارو نگیریم فردا مزاحم ناموس من و شما هم میشن. هرچند زد شیشه یه مغازمو شکوندند اما برا آبرو حیثیت آدم باید از مال و جانش بگذره.»

م.س ۴۱ ساله از وضعیت فضاهای شهر می گوید:

«وضعیت پارک ها و بوستان ها طوری شده که کمتر پدر و مادری جرأت می کنه بچشو بخصوص دخترشو بفرسته پارک، پارکها همش مهنگیو و معتاد و بیکار و لات شدنند تا می بینن دختری وارد پارک شد، جلوشو می گیرند با حرفای رکیک و نگاه مغرضانه و مزاحمشون میشن.»

شهر ناامن که موجب بازتولید خشونت روانی است باعث می شود عرصه عمومی که

محل تولید کنش‌ها و پدیده‌های مثبت اجتماعی است، کارکرد خود را از دست بدهد و آسایش و آرامشی که شهروندان از کنار هم بودن انتظار دارند به کلکسیون‌ی از نفرت و ترس و خشم تبدیل شود.

عوامل، شرایط و علل سوق‌دهنده به پدیده‌ی خشونت شهری که مشارکت‌کنندگان با ۳۶ مفهوم آنها را بیان می‌کردند، در هشت خوشه‌ی موضوعی دسته‌بندی شد. خوشه‌های موضوعی کشف شده در سه مقوله‌ی عمده (عوامل مداخله‌ای، شرایط زمینه‌ای و علل پیدایش) تقلیل یافتند.

یکی از عوامل مداخله‌ای کشف شده مفهوم «فردگرایی خودخواهانه» است. شهرگرایی نظام عصبی را تهدید می‌کند و نهایتاً به جدایی افراد از یکدیگر می‌انجامد و در سطح ساختار اجتماعی تقسیم کار را به وجود می‌آورد که آن نیز، خود به انزوای افراد منجر می‌شود (سروستانی، ۱۳۶۹: ۲۰۶). این مفهوم که با عاریت گرفتن از دورکیم به بی‌توجهی به منافع جمعی و حساب‌گری به نفع خود اشاره دارد؛ بیانگر این امر است که فرد برای برآورده کردن خواسته‌های شخصی خود با وجود تعارض با منافع دیگران و قواعد اجتماعی و تحمیل هزینه به منافع جمعی اقدام کند.

ب. ن. ۳۲ ساله که شغل کارگری دارد می‌گوید:

« شغلم کارگری است، و مستأجرم و ۴ بچه دارم، صاحبکارم دو ماه دستمزدم را نداد. هر موقع پولم را می‌خواستم امروز فردا می‌کرد تا اینکه دم درش رفتم. ابتدا التماس و خواهش کردم اما بعداً منو تهدید کرد که چرا دم در خانه‌اش رفتم و فحش داد؛ منم چون چاره‌ای نداشتم با مشت به صورتش کوبیدم...»

عامل دیگری که ذیل عوامل مداخله‌ای از مصاحبه‌ها استخراج شد،

«عامل روانی» است. فرد به دلیل تجربه‌ی ناکامی‌ها و داشتن برخی از ویژگیهای روانشناختی از جمله؛ پایین بودن تاب‌آوری و آستانه‌ی تحمل، عدم توانایی در مدیریت هیجانات و خشم، احساس کمبود، سریع در برابر رفتار دیگران عکس‌العمل خشونت‌آمیز نشان می‌دهد.

د.ب. ۳۰ساله بیکار از تجربه خود می‌گوید:

« بعضی از جوانان وقتی که گروهی در شهر پرسه می‌زنند، از سر تفنن و سرگرمی اموال عمومی را می‌شکنند. بعضی از اینا به خاطر اینکه پیش همسالانش پزیده که باشگاه رزمی رفته‌اند و جایگاهشان را پیش دوستاش بالا ببره دعوا راه می‌اندازه. »
هسته مرکزی دیگری که شرایط نمود پدیده شهری را نشان می‌دهد شرایط زمینه‌ای است. شرایط زمینه‌ای با ترکیب خوشه موضوعی «شرایط فضای شهری» و «شرایط خانوادگی» تعریف می‌شود. در گفته مشارکت‌کنندگان این دو شرط مهم، از شرایطی است که پیدایش خشونت شهری را تقویت می‌کند.

همانگونه که تئوری پردازان بوم‌شناختی بر تأثیر فضای شهر و زندگی شهرنشینی بر خشونت و بروز سایر اعمال مجرمانه معتقدند؛ این شرط در تحلیل پدیدارشناسانه مصاحبه‌ها نیز مشهود بود. مشارکت‌کنندگان براساس تجربه‌هایشان، «گمنامی در شهر»، «بافت محله‌های شهر» «زندگی آپارتمان‌نشینی» و «حاشیه‌نشینی» را از شرایط پیدایش خشونت شهری می‌دانند.

س.ق. ۵۸ساله که تجربه خشونت در آپارتمان محل زندگی‌اش را دارد می‌گوید:

« فضای شهر با روستا خیلی متفاوت؛ در روستا یا در شهرهای کوچک همه همدیگر را می‌شناسند، و به خاطر احترام به خانواده و قوم و خویش خود از حق و حقوقشان می‌گذرند و دعوا نمی‌کنند؛ اما در شهری مثل اردبیل که هر روز زندگی آپارتمان‌نشینی و حاشیه‌نشینی با مهاجرت گسترده از شهرها و روستاها گسترش پیدا می‌کند و هیچ‌کس کسی را نمی‌شناسد حتی همسایه بغل دستی در یک واحد آپارتمانی نمی‌داند، همسایه‌اش چند نفرند؛ هرکس ساز خودش را می‌زند و هرطور دلش خواست عمل می‌کند.»

ش.ق. ۴۲ ساله از تجربه درگیری خود با همسایه‌اش می‌گوید:

« همسایه ما که تا دیروقت کار می‌کند، وقتی به خانه می‌آید بدون در نظر گرفتن اینکه مردم خوابند و باید مراعات حالشون را بکنند، پیکان قراضه‌اش را وقتی میاره تو پارکینگ دو سه تا گاز می‌دهد و با صدای اون همه بیدار میشن...»

ب.ن ۳۲ ساله که در محله حاشیه شهر زندگی می‌کند می‌گوید:

« الان ۷ سال است در این محله زندگی می‌کنم. باتوجه به اینکه قیمت زمین و ملک نسبتاً پایین است، طبقه ضعیف جمع شدند اینجا. کوچه‌ها پر از بچه است و متأسفانه شهرداری هم چندان اهمیتی نمی‌دهد. کوچه‌های تنگ اغلب اوقات تاریک است و هنوز هم می‌بینی آسفالت نشده و دیوار حیاط خانه‌ها اغلب کوتاهند. روزی نیست که اینجا دعوا و جیغ و فریاد نشنوید »

براساس تحلیل داده‌ها، خانواده در شهر اردبیل کارکردی چندگانه دارد از جمله: نظارت و کنترل بر رفتار فرزندان، آموزش مسائل عقیدتی و سنن اجتماعی که با فرهنگ سازمانی ویژه خود نقش بارزی در گرایش و نگرش اعضایش به مدارا، تسامح و تساهل در جهان زندگی دارد. یکی از شرایطی که فرهنگ سازمانی خانواده‌ها را تحت شعاع قرار می‌دهد «ترکیب خانواده» است. ترکیب خانواده که با حضور و عدم حضور اعضای خانواده تعیین می‌شود، سبب شکل‌گیری نوع تربیت و شیوه تعاملات اجتماعی می‌گردد. در خانواده‌ای که یکی از ارکان خانواده (پدر یا مادر) بنا به دلایلی در آن حضور نداشته باشد، مهم‌ترین کارکرد خانواده یعنی جامعه‌پذیری و ابزار آن (کنترل اجتماعی) به نتیجه نمی‌رسد.

ت.ب جوان ۲۸ ساله که به دست نامادریش بزرگ شده از تجربه اش می‌گوید:

« وقتی دست نامادری بزرگ بشی و از بچگی طعم محبت را نچشیده باشی طبیعی است که بزرگ شدی سعی می‌کنی با درگیری و دعوا به حقت برسی و کمبودهایت را جبران کنی. »

د. ب ۳۰ ساله با اشاره به نقش تربیتی پدر در خانواده می‌گوید:

« پدر همیشه برای کار در بندر بود و مادرم سرپرستی ما را برعهده داشت. ما وقتی بزرگتر شدیم دیگه مادرم نمی‌تونست ورود و خروج ما را کنترل کنه به قولی خونه ما شده بود یک پاتوق که ما با دوستانمون وقت و بی وقت به خونه می‌اومدیم و بساط اعتیاد می‌چیدیم و اموال مسروقه را بین خودمون تقسیم می‌کردیم. »

هسته مرکزی سوم که با ترکیب علل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کنترل اجتماعی استخراج شد، «علل پیدایش پدیده خشونت شهری» نامگذاری شد. آنچه پدیده خشونت شهری را به عنوان یک مسأله اجتماعی صرف، از تعاریف روانشناختی و بوم‌شناختی مجزا می‌سازد، معرفی علل پیدایش آن از دیدگاه تجربه‌کنندگان خشونت است. مشارکت‌کنندگان بارها و بارها علت پیدایش خشونت شهری را با پدیده‌های ارادی و غیرارادی اجتماعی مرتبط دانسته و ساختارهای اجتماعی را در پدیدار شدن آن مؤثر قلمداد کردند.

یکی از علت‌هایی که مشارکت‌کنندگان در پیدایش پدیده خشونت شهری به آن پرداختند، «بی‌تفاوتی اجتماعی» است. بی‌تفاوتی اجتماعی که در نقطه مقابل مسئولیت‌پذیری اجتماعی قرار می‌گیرد، به بی‌علاقگی و انفعال در برابر هنجارشکنی‌ها، سرنوشت جامعه و گروه‌های عضو اشاره دارد. فردینبرگ^۱ (۱۹۲۱)، بی‌تفاوتی اجتماعی را با نارضایتی^۲ مترادف دانسته و آن را عامل اصلی کنش‌های فرد در نظر می‌گیرد. فردینبرگ در تحقیقات تجربی خود تأکید دارد که فرد نارضایتی خود را به صورت رفتار منفعلانه و ناسازگارانه در قبال ارزش‌ها، هنجارها و ضوابط اجتماعی نهادینه شده بروز داده و در مقابل آن ژستی دفاعی همراه با احساس نفرت، بدبینی، انفعال و بی‌تفاوتی نشان می‌دهد (فردینبرگ، ۱۹۸۳: ۶۳).

س. ق ۵۸ ساله از نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری از خشونت شهری می‌گوید:

« اردبیل هرچند شهر مذهبی است و به امام حسین (ع) اوقات خاصی دارند؛ اما واقعیتش اینه که مردم بی تفاوت به توهین و زورگویی به یک مظلومند. امر به معروف و نهی از منکر اگر درست و حسابی در جامعه اجرا بشه، خیلی از دعوای خیابانی در نطفه خفه میشه.»

۱. م. ۳۹ ساله به انفعال شهروندان در مشاهده صحنه درگیری پرداخته، می‌گوید:

1 . Edgard Fardinberg
2 . Resentment

« درسته در گذشته هم دعوا و بگو مگو در محله و خیابان انجام می‌شد اما مردم بی‌تفاوت نبودند، می‌اومدند دخالت می‌کردند و طرفین را آروم می‌کردند و به کلانتری و دادگاه نمی‌کشید؛ اما حالا هرکی صحنه دعوا را می‌بینه گوشیشو از جیبش درمیاره، همش به فکر فیلم گرفتنه.»

علت اجتماعی دیگری که مشارکت‌کنندگان در نمود پدیده‌ی خشونت شهری به آن اشاره کردند، «مهاجرت» است. مک کی و شاو (۱۹۶۹) معتقدند؛ مهاجرانی که از روستا به شهر می‌آیند اغلب پول کافی ندارند و معمولاً زندگی شهری خود را از حاشیه شروع می‌کنند. وی نتیجه می‌گیرد که در مناطق بی‌ثبات جمعیتی، فرد از فشار افکار عمومی و نظارت اجتماعی غیررسمی رها می‌شود و به دلیل عدم تعلق به محله و نداشتن همبستگی و پیوند اجتماعی، راحت‌تر و سهل‌تر مبادرت به اعمال مجرمانه می‌نماید (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۸۳). مهاجرت به شهر اردبیل سبب می‌شود حاشیه‌ی شهر آپاندیس‌وار گسترش یافته و انواعی از انحرافات در آن شکل بگیرد. مهاجرت از روستا به شهر و سکونت افراد در محله‌های کم‌برخوردار شهر کلکسیون‌ی از فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌هایی را به وجود می‌آورد که باعث کشاکش و تعارض دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و رفتارها می‌شود.

ب.ن.۳۲ ساله نقش مهاجرت و شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها در پیدایش خشونت شهری را این‌گونه بیان می‌کند:

«محله‌ی سلمان آباد اغلب ساکنینش از شمال استان اومدند و باهم دیگرم طایفه‌اند؛ وقتی یکی دعوا می‌کنه بقیه حمایتش می‌کنند و دعوای گروهی و دسته‌جمعی راه می‌افته. برای آنها عار هست که ببینند هم‌طایفه یا هم‌ولایتی او را می‌زنند و ایشون تماشاگر باشند.»

ش.ک.۳۸ ساله با اشاره به علت مهاجرت در پیدایش خشونت به‌ویژه خشونت روانی در محله‌های حاشیه‌ی شهر می‌گوید:

«... همه‌ی اینها از روستاهای اطراف مهاجرت کرده‌اند و به اینجا آمده‌اند. اغلب سرپرستان خانواده معتاد و کارگر و دستفروشنند. هرکسی به فکر اینه که سر دیگری کلاه

بذاره، بعده غروب آفتاب، زنان و دختران از ترس شان کمتر می‌توانند در محل حضور داشته باشند...»

با گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی و نفوذ اینترنت به خانواده‌ها، نرخ ارتباطات رودر رو پایین آمده و اعضای خانواده کمتر با همدیگر به گفتگو می‌پردازند؛ این امر یکی از دلایل افت همدلی، همدردی و تفاهم شده است. از نظر مشارکت‌کنندگان نیز کاهش تعاملات چه در خانواده و چه در محله، یکی از علل پیدایش خشونت است. م.س ۴۱ ساله می‌گوید:

«وضعیت طوری شده که اعضای خانواده اول صبح همه دنبال کار خودشون، شبم که میشه هرکی در یک گوشه‌ای افتاده؛ هیشکی با هیشکی حرف نمیزنه؛ همه تو فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی پرسه می‌زنن. ولی قدیما مخصوصاً تو روستاها همسایه، فامیل با همدیگر رفت و آمد داشتند، از درد همدیگر خبر داشتند»

براساس تئوری کنترل اجتماعی هرشی و رکلس، کجروی، حاصل پیوند فرد با جامعه است. خشونت زمانی رخ می‌دهد که بزهکاران به این نتیجه می‌رسند که مکانیسم‌های کنترل اجتماعی و ارزشها و معیارهایی که سابق بر این، رفتارهای آنان را تعیین می‌کرد، دیگر تأثیر زیادی ندارند؛ به عبارت دیگر با اختلال در کارکرد دستگاه‌های نظارتی، فرد به انحرافات اجتماعی گرایش پیدا می‌کند. در گفته مشارکت‌کنندگان نیز ضعف در کنترل اجتماعی و قدرت کمتر التزامات اجتماعی، سبب می‌شود افراد برای رسیدن به هدف‌شان راههای غیرقانونی را در پیش بگیرند.

ش.ق ۴۲ ساله برای رسیدن به هدفش فردی را اجیر می‌کند که ممکن است منجر به قتل، آدم‌ربایی و ... بشود:

«شورای حل اختلاف و دادگاه هم که بری امروز و فردا می‌کنند تا حقتو بگیرن، همون بهتر که با یک شرخر رابطه برقرار کنی تا چکتو نقد کنی.»

م.م ۳۹ ساله نیز با بیان اینکه در گذشته، کنترل اجتماعی غیررسمی، کارایی مهمتری نسبت به قوانین و الزامات رسمی داشته می‌گوید:

«...امروزه بچه‌ها پروتر و لوس شدند، حرف بزرگتر حالی‌شون نمیشه، نه حرمت و احترامی مونده و نه ارزش بزرگ خانواده‌ای. در گذشته وقتی بزرگتر خانواده حرفی می‌زد، کلامش بُرش داشت و همه قبولش داشتند؛ اما حالا جوان و نوجوان از قانون و مجازاتم نمی‌ترسه.»

ب.ن.۳۲ساله به نقش کنترل اجتماعی غیررسمی اشاره می‌کند و می‌گوید:

«در گذشته این شکلی نبود؛ همه از حضور پلیس دم در خونشون نارحت می‌شدند و همسایه‌ها به حضور پلیس دم در همسایه شماتت می‌کردند.»

با ترکیب شکاف طبقاتی، احساس محرومیت و بیکاری، خوشه‌ی موضوعی «علت اقتصادی» به عنوان تبیین‌کننده‌ی پدیده‌ی خشونت شهری از مصاحبه‌ها استخراج شد. برداشت از مصاحبه‌های انجام شده، نرخ بسیار جمعیت جوان در کشور و عدم برنامه‌ریزی مناسب برای جذب و اشتغال آنها، سبب شده بیکاری به یکی از معضلات کشور تبدیل شود. جوان بیکار برای پرکردن اوقات فراغت خود در خیابان و اماکن عمومی شهر با دوستانش پرسه می‌زند و با مشاهده امکانات و دارایی‌های افراد طبقات بالا احساس محرومیت می‌کند؛ در نتیجه با افسردگی، اعتیاد، فشار عصبی و در نهایت با خشونت علیه خود یا دیگران رو به رو می‌شود.

ش.ک.۳۸ساله می‌گوید:

«شرایط طوری شده که هر روز از تلویزیون خانه‌های لوکس، ماشین‌های مدل بالا نمایش می‌دهند؛ جوون بیکار حرصش درمیاد وقتی می‌بینه عمرآ بتونه به اینا برسه؛ بنابراین با یک ناراحتی کوچولو به هم میریزه و دعوا به پا می‌کنه.»

د.ب.۳۰ساله با اشاره به نقش احساس محرومیت در خشونت شهری می‌گوید:

«محلّه ما همش پرشده از افراد بیکار، معتاد، خانواده‌های پرجمعیت با درآمد بخور نمیر، وقتی جوانی از این خانواده‌ها راهش می‌افته به شریعتی و می‌بینه پسره سوار ماشین باباشده و ویراژ میده، عصبی میشه و سعی میکنه با درگیری با اونا ابراز وجود کنه و عقده‌شو خالی کنه.»

در مصاحبه با افراد، «علت فرهنگی» از عللی است که بالاترین بسامد را در پیدایش خشونت شهری داشته است. علت فرهنگی با خوشه‌های موضوعی فقر فرهنگی، تعصب به ارزشها و باورهای قومی و قبیله‌ای، سطح تحصیلات و فقر فرهنگی تعریف می‌شود. زیمل به ترکیب جمعیت کلان‌شهرها از افراد مختلف با پیشینه‌های گوناگون قومی و فرهنگی توجه داشت و بروز ناهمگنی رفتاری در کلان‌شهرها را ناشی از تعامل افرادی می‌دانست که هریک دارای جهان اجتماعی متفاوتی‌اند. در چنین شرایطی آنومی هنجاری در شهرها توسعه می‌یابد و به تضعیف انسجام مکانیکی کمک می‌کند (موسوی، ۱۳۸۸: ۶۴). شهر اردبیل به دلیل مهاجرت از شهرستان‌های این استان از شهرهای با تکرر بالای فرهنگی کشور به شمار می‌رود. سکونت افرادی با قومیت‌های (ترک، کرد، تات و فارس)، قومیت مذهبی (شیعه و سنی) و خرده‌فرهنگ (روستایی، عشایری و شهری)، سبب شده شهر اردبیل به مرکز تجمع خرده‌فرهنگ‌ها تبدیل شود. نهادین شدن فرهنگ شهرنشینی و پایین بودن سطح تحصیلات، از علل پیدایش خشونت شهری در کلام مشارکت‌کنندگان است.

ش.ک. ۳۸ ساله می‌گوید:

« پدرخانم بی‌سواده و در جامعه فرهنگی که باهاش بزرگ شده فکر می‌کنه، کوچه مال خودش و هرکی زورش بیشتر باشه می‌تونه تصاحبش کند.»

د.ب. ۳۰ ساله می‌گوید:

« در حاشیه شهر چون افراد مهاجرت کرده دارای فرهنگ قبیله‌اند؛ خیال می‌کنند تنها راه رسیدن به حق و حقوقشان استفاده از زور و قشون‌کشی است.»

ر.م. ۳۹ ساله با تعصب ویژه می‌گوید:

«.. غیرتم اجازه نمیده جلو چشم همشهری منو بزنند و من تماشاگر باشم.»

نتیجه‌گیری

با گسترش سکونت پرتراکم جمعیت و تجمع گروه‌های انسانی با فرهنگ‌های مختلف در شهرها، شهروندان شاهد بروز و ظهور انواع مسائل اجتماعی از جمله تهدید

و خشونتند. عرصه‌های عمومی، معابر و بوستان‌ها در شهر در صورتی محل گذران اوقات فراغت و سایر فعالیت‌های انسانی است که از امنیت و آرامش برخوردار باشد. آنچه امروزه با گسترش شهرنشینی امنیت و آرامش انسانها و نظام اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده، پیدایش مسأله‌ی خشونت شهری^۱ است. این پژوهش با هدف مطالعه‌ی کیفی پدیده‌ی خشونت شهری در اردبیل انجام شد.

براساس تجربه‌ی زیسته‌ی مشارکت‌کنندگان، خشونت شهری پدیده‌ای اجتماعی است که در زیست‌بوم شهر با کنش آگاهانه، ارادی و با هدف سلب آرامش دیگران اتفاق می‌افتد. با توجه به تحلیل پدیدارشناسی، خشونت شهری زیربنایی‌ترین بعد پژوهش، معناهای ذهنی است که افراد برای پدیده‌ها قائلند. معنایی که مشارکت‌کنندگان برای خشونت شهری قائلند، همه‌ی جنبه‌های جهان‌زندگی شهروندان را نشانه می‌گیرد که عبارتند از؛ ۱- خشونت فیزیکی^۲؛ که به صورت نیت‌مند^۳ و آشکار و با هدف ضربه زدن به جسم فرد انجام می‌گیرد. این نوع خشونت از هل دادن آرام تا قتل و آدم‌ربایی را شامل می‌شود. ۲- خشونت روانی^۴؛ در این نوع خشونت هدف آسیب رساندن به حیثیت و احساسات فرد است. ۳- خشونت کلامی؛ به هرگونه تعارض و تهدید زبانی گفته می‌شود که با هدف ایجاد ترس و تحقیر صورت می‌گیرد. ۴- خشونت مالی^۵؛ هدف کنشگر در این نوع خشونت وارد آوردن صدمه و زیان مالی است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ اجزاء تشکیل‌دهنده‌ی پدیده‌ی خشونت شهری که وابستگی بافتی با همدیگر داشته و ساختار کلی خشونت شهری را نمایان می‌سازند، هشت خوشه‌ی موضوعی‌اند که به سه دسته‌ی مرکزی تقلیل یافته‌اند. شهر اردبیل به دلیل مهاجرپذیری از نقاط روستایی و عشایری استان، به شهری با تنوع و تکثر فرهنگی تبدیل شده است. تضارب فرهنگی و تعصبات قومی و قبیله‌ای، سبب شده در تعاملات

-
1. Urban Violence
 2. Physical Violence
 3. Intentional
 4. Psychological Violence
 5. Economic Violence

اجتماعی شهروندان فهم متقابل، تعلق خاطر به زندگی جمعی در شهر، احترام به حقوق شهروندی، احساس مسئولیت در سرنوشت جمعی، احترام به قانون و اصول اخلاقی کمتر مورد توجه قرار گیرد تا موجب بروز کشاکش منافع و به دنبال آن پدیده خشونت شهری شود. در این میدان رقابت و تعارضات، زمینه‌ها و عوامل مختلفی نیز مزید بر علت می‌شود. از تجربیات مشارکت‌کنندگان چنین برداشت شد که بر اساس شرایط خانوادگی، ساختار و شیوه تربیت در آن، شرایط فضای کالبدی شهر و عوامل مداخله‌ای از جمله تاب‌آوری پایین شهروندان، احساس کمبود عاطفی و روانی، تقدم منافع شخصی بر منافع جمعی، از اجزاء تشکیل دهنده‌ای است که به صورت بافتی موجب نمود پدیده خشونت شهری در اردبیل می‌شود. بر این اساس، برای پیشگیری و یا کاستن از میزان خشونت شهری پیشنهاد می‌شود:

- ۱- تقویت تعلق اجتماعی به شهر و احساس مسئولیت در شهروندان با برنامه‌های فرهنگی - آموزشی توسط نهادهای فرهنگی - اجتماعی.
- ۲- ویژگی فضاهای شهر از جمله خلوت بودن برخی از اماکن مانند بوستان‌ها و پارک‌ها، باعث ایجاد شرایط مناسب برای نمود خشونت شهری است. در برنامه ریزی شهری به مکان‌یابی برای استقرار پارک‌ها و بوستان‌ها توجه شود تا در شبانه‌روز مدت قابل توجهی از شهروندان را به خود جذب نماید و یا با استقرار وسایل تفریح و بازی (نظیر استقرار دستگاههای شهربازی)، ارتباط مردم با پارکها بیشتر شده و از خلوت شدن آنها کاست.
- ۳- آگاهی‌بخشی نسبت به رعایت حقوق شهروندی از مدرسه و آموزش مهارتهای زندگی به‌ویژه مهارت تاب‌آوری، کنترل خشم و مدیریت هیجانها.
- ۴- حضور پدر و مادر در خانواده، تربیت صحیح فرزندان، حفظ حرمت بزرگترها در خانواده، از مؤلفه‌های تعیین‌کننده برای کنترل رفتارهای خشونت‌آمیز است؛ پیشنهاد می‌شود اولاً تمهیدات لازم برای اشتغال پدر در شهر و مهاجرت نکردن به شهرهای دیگر فراهم شود، دوم اینکه آموزش لازم برای افزایش تعاملات اجتماعی رودررو به جای

حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی برای ارتقاء تفاهم متقابل بین اعضا فراهم گردد.

۵- باتوجه به نقش عصبیت و خرده‌فرهنگ قومی در پیدایش خشونت شهری، مسئولان و نهادهای تصمیم‌گیر شهر ضمن احترام به نگرشهای قومیتی، از دامن زدن به رقابت‌های قومیتی به‌ویژه در ایام انتخابات پرهیز کنند.

۶- گسترش فرهنگ فردگرایی و بی‌تفاوتی اجتماعی، از عوامل تأثیرگذار در خشونت شهری است؛ پیشنهاد می‌شود برای افزایش سرمایه اجتماعی در محله‌های شهر، انجمن‌ها و هیأت‌هایی با شرکت همسایه‌ها، برای برگزاری مناسبت‌ها و حل مشکلات محله تشکیل گردد.

منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: سمت.
- اسلامی بناب، سید رضا. (۱۳۸۸). بررسی امنیت اجتماعی و برخی عوامل مرتبط با آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- جاجرمی، حسین. (۱۳۸۷). امنیت اجتماعی. مجموعه مقالات همایش ملی پیشگیری از جرم. تهران: معاونت امنیت اجتماعی. آموزش ناجا. تهران: انتشارات کتاب آوا.
- چلبی، مسعود؛ مبارکی، محمد. (۱۳۸۴). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطح خرد و کلان. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲، ص ۱۳ - ۴۴.
- خبرگزاری ایرنا، زنگ خطر رشد خشونت در استان اردبیل. دی ماه ۱۳۹۹.
- دیکنز، پیتر. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی شهر. حسین بهروان. مشهد: نشر قدس رضوی.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: نشر آوای نور.
- شیخ ویسی، یاسر؛ صبوری خسروشاهی حبیب؛ محسنی، رضا علی. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین فضاهای بی‌دفاع شهری و رفتارهای خشونت‌آمیز شهر تهران: فصلنامه علمی امنیت ملی، سال دهم، شماره ۳۶.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله: (۱۳۸۷). بررسی عوامل تهدیدکننده امنیت اجتماعی. مجموعه

مقالات

- فیالکوف، یانکل. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی شهر. عبدالحسین نیک گهر. تهران: انتشارات آگه.
- گیدنز، آتونی. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری. تهران: نشرنی

محسنی تبریزی، علی رضا. (۱۳۸۳). وندالیسم. تهران: نشر آن.
محسنی رضاعلی؛ معین فر، سجاد. (۱۳۹۶). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در خشونت خیابانی شهر ارومیه. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره ششم، شماره ۲، ص ۷۵ - ۱۰۱.

محمد پور، احمد. (۱۳۹۳). ضد روش. تهران: انتشارات لوگوس.
محمدی، جمال؛ باقری کشکولی، علی. (۱۳۹۶). تحلیل تطبیقی رابطه بین فقر و خشونت شهری محله‌های شهر یزد. نشریه مطالعات نواحی شهری، سال چهارم، شماره ۱۱، ص ۱۰۳-۱۲۸.
موسوی، یعقوب. (۱۳۸۸). تحلیلی جامعه‌شناختی از تناقضات فضایی و اجتماعی توسعه شهری. مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم، شماره ۲، ص ۱۸-۱.
نیک بخت، سارا. (۱۳۹۳). زمینه‌های گرایش به خشونت و راهکارهای مقابله با آن از منظر جرم‌شناسی. تهران: کتاب آوا.

Berman. M. (1984). The Signs in the street :A Response to Perry
Anderson New Left Review .123-144
Creswell, J. W. (2007). Designing and conducting mixed method
research. Thousand Oaks, CA: Sage.
Fatima A. (2015). Urban Violence and The Challenges Of Negeria
Foreigen Policy. Vol .18. NO .1. P 49-64
Wakefield, L; Tait, S. (2015). Crime and Violence in Urban Space in
South Africa Citizen. Journal of Security and Development, Vol.
15. No. 4: 401-424.

